

سرمایه اجتماعی لازمه نظم و انسجام اجتماعی*

دکتر مهدی ناظمی**

چکیده

رشد و تعالی جوامع و دستیابی انسان به آسایش و آرامش درخور طبیعت و فطرت او بر اساس آموزه‌های فرهنگ‌های اصیل الهی امکان‌پذیر است. توسعه اقتصادی جوامع پیشرفته امروز، نیازهای زندگی انسان را به خوبی تأمین نکرد. وجود سرمایه طبیعی فراوان و رشد سرمایه فیزیکی و حتی توسعه سرمایه انسانی نتوانست حیات اجتماعی رضایت بخشی را به ارمغان آورد. انسان پدیده‌ای است که جنس و نوع آن در فراوانی خود، وحدتی می‌یابد که از فردیت در هراس است. سرمایه اجتماعی، دارایی ذاتی و جوهری اجتماع انسانی است که آن را از اجتماع غیر انسانی متمایز می‌سازد. سرمایه اجتماعی، موجبات بهره‌گیری هر چه بیشتر و بهتر از سایر گونه‌های سرمایه اعم از سرمایه طبیعی و سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی را فراهم می‌سازد. چپستی، چرایی، ضرورت وجود سرمایه اجتماعی و چگونگی تولید آن در سطوح مختلف جامعه، موضوع بحث و بررسی این مقاله است.

واژگان کلیدی

سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، شبکه، پیوستگی، سرمایه انسانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* این مقاله در تاریخ ۱۳۸۶/۹/۲ دریافت شد و در تاریخ ۱۳۸۶/۹/۱۲ به تصویب رسید.

** عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

مقدمه

تعاریف مختلفی در مورد سرمایه اجتماعی مطرح شده است. برای بیان فضای مفهومی این اصطلاح از واژگان و تعبیر مختلفی چون انرژی اجتماعی^۱، روحیه اجتماعی^۲، پیوستگی اجتماعی^۳، فضیلت مدنی^۴، شبکه های محلی^۵، لطافت اجتماعی^۶، دوستیهای گسترده^۷، زندگی جماعتی^۸، منابع اجتماعی، شبکه های رسمی و غیر رسمی، همسایگی خوب^۹ و چسب اجتماعی^{۱۰} استفاده شده است.

مفهوم سازه های مختلف از سرمایه اجتماعی ناشی از زمینه نظری مورد استفاده است. سرمایه اجتماعی آثار نیرومندی بر جنبه های زندگی اجتماعی دارد. این سرمایه موجب گرمی حیات اجتماعی و حفظ غرور اجتماعی می شود. میزان جرائم، هزینه های اجتماعی و اقتصادی را کاهش می دهد. سلامت اجتماعی را ارتقاء می دهد و پیشرفت آموزش، برابری اجتماعی، رفاه و پیشرفت اقتصادی را موجب می شود و در سطح ملی، فساد دولتی را کاهش می دهد و کارآمدی حکومت را بیشتر می سازد.

سرمایه اجتماعی مربوط به آنچه شما می دانید نمی شود، بلکه به این واقعیت مربوط می شود که چه کسانی شما را می شناسند. این عبارت مختصر درک مرسوم از سرمایه اجتماعی را در خود دارد.

معمولاً در رقابتها و در تعارضهای اجتماعی و سازمانی کسانی برنده می شوند که برخوردار از دوستانی بیشتر و وفادارتر هستند.

همانطور که برای فرد و جامعه می توان سرمایه اجتماعی منظور نمود و نسبت به سنجش آن اقدام کرد، سازمانها نیز دارای سرمایه اجتماعی بوده و افزایش و کاهش آن در تعامل با وضعیت و عملکرد سازمان در مقاطع مختلف زمانی قابل ارزیابی است.

سازمانی که سرمایه اجتماعی خود را از دست بدهد. موجبات از دست دادن سایر سرمایه هایش نیز فراهم شده و رو به افول خواهد گذاشت. در مقابل سازمانی که رشد سرمایه اجتماعی داشته باشد، فرصت حداکثر بهره گیری از سرمایه های خود را پیدا نموده و به رشد و بالندگی لازم می رسد.

-
1. Social Energy
 2. Community Spirit
 3. Social Bunds
 4. Civil Virtue
 5. Community Network
 6. Social Ozone
 7. Extended Friendships
 8. CommunityLlife
 9. Good nighboring
 10. Social Glue

نیروی انتظامی به عنوان سازمانی که دارای مأموریتی کاملاً پیچیده و حساس در حوزه تأمین امنیت اجتماعی دارد، بدون داشتن سرمایه اجتماعی لازم قادر نخواهد بود این مأموریت را به انجام رساند.

تأمین امنیت اجتماعی در گرو مشارکت، همکاری و اعتماد متقابل عموم مردم با سازمان تأمین کننده امنیت می باشد. بدین جهت نیروی انتظامی برای توفیق در مأموریتی که بر عهده دارد باید به موضوع سرمایه اجتماعی توجه نماید.

انواع سرمایه

سرمایه در معنای عام خود بر مجموعه داراییها، امکانات و منابع در اختیار دلالت دارد که در قالب ها و شکل‌های مختلف ظهور و بروز پیدا کرده که مهمترین آنها عبارت‌است از:

1. موهبت طبیعی^۱: شامل امکانات و داراییهای طبیعی و زیست محیطی در اختیار هر جامعه است؛ مانند آب، معادن، جنگل، خاک و ...
2. سرمایه فیزیکی^۲: شامل مجموعه ماشین‌آلات، کارخانه‌ها، سازه‌ها و تجهیزات زیربنایی، ساختمان و نظیر آن است که دست ساز بشر است.
3. سرمایه انسانی^۳: تواناییها و توانمندسازیهای انسانی که بر دانش و تخصص و مهارتهای انسانی مبتنی است. امید به زندگی، سطح تحصیلات، متوسط سن و دسترسی به امکانات، تعیین کننده میزان سرمایه انسانی هر جامعه است.
4. سرمایه فرهنگی^۴: ویژگیهای ارزشمند فرهنگی، که بیانگر صلاحیتهای اجتماعی و فرهنگی است و میراثی کهن برای جامعه به شمار می‌رود سرمایه فرهنگی هر جامعه است.
5. سرمایه اجتماعی^۵: بر مجموعه روابط، شبکه‌ها و تعاملات دلالت دارد که به واسطه هنجارها و ارزشهای مشترک شکل می‌گیرد و موجب گرمی اجتماع انسانی می‌شود.

ماهیت سرمایه اجتماعی

در نگاه بانک جهانی، سرمایه اجتماعی به نهادها، روابط و هنجارهایی اشاره دارد که کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی هر جامعه را شکل می‌دهد. سرمایه اجتماعی صرفاً شامل مجموعه‌ای از

1. Natural Capital
2. physical Capital
3. Human Capital
4. Cultural Capital
5. Social Capital

نهادهای یک جامعه نمی‌شود بلکه چسبی است که این نهادها را به یکدیگر پیوند می‌دهد (کوهن^۱ و پوساک^۲، ۲۰۰۱: ۴).

سرمایه اجتماعی بیانگر شدت و کیفیت روابط تعاملات بین افراد و گروه‌ها، احساس تعهد و اعتماد دو جانبه نسبت به هنجارها و ارزشهای مشترک است و به عنوان حس تعلق و همبستگی، پایه مهم همبستگی اجتماعی در نظر گرفته می‌شود.

سرمایه اجتماعی مجموعه معینی از هنجارها و ارزشهای غیر رسمی است که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است در آن سهیم هستند (فوکویاما^۳، ترجمه خاکباز، پویان، ۱۳۸۴: ۲۳).

سرمایه اجتماعی، وجود گوناگون سازمانهای اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که می‌تواند با ایجاد و تسهیل امکانات هماهنگ، کارآیی جامعه را بهتر کند (پانتام^۴، ۱۳۸۰: ۲۵۱).

سرمایه اجتماعی منبعی اجتماعی- ساختاری است که دارایی و سرمایه افراد به شمار می‌رود. این دارایی شیء واحدی نیست بلکه ویژگیهایی است که در ساختار اجتماعی وجود دارد و باعث می‌شود افراد با سهولت بیشتری وارد کنش اجتماعی شوند (کلمن^۵، ۱۳۷۷: ۴۶۷).

سرمایه اجتماعی به عنوان مجموع منابع بالقوه و بالفعل است که اعضای هر گروه را به هم پیوند می‌دهد و هر یک از اعضا را برای مراجعه به سرمایه جمعی مشترک آماده می‌کند (بوردیو، ۱۹۸۶: ۲۴۹).

حجم سرمایه اجتماعی مورد تملک یک فرد به اندازه شبکه پیوندهایی بستگی دارد که او می‌تواند به طرزی مؤثر آنها را بسیج کند و مضافاً وابسته است به حجم سرمایه اقتصادی و فرهنگی کسانی که وی با آنها در ارتباط است.

سرمایه اجتماعی «توانایی مردم برای کارکردن با یکدیگر به منظور پیگیری اهداف مشترک در گروه‌ها و سازمان‌ها است» (فوکویاما، ترجمه خاکباز، پویان، ۱۳۸۴: ۲۳).

او این تعریف از سرمایه اجتماعی را بسط می‌دهد و عنوان می‌کند سرمایه اجتماعی مجموعه معینی از ارزشها و هنجارهای مشترک غیر رسمی در میان اعضای یک گروه است که به آنها اجازه فعالیت جمعی و تعاونی را می‌دهد (فوکویاما، ترجمه خاکباز، پویان، ۱۳۸۴: ۲۳).

اگر چه تعاریف متفاوتی از سرمایه اجتماعی ارائه شده است، این تعاریف نقیض یکدیگر نیست بلکه متمم و مکمل یکدیگر به شمار می‌آید.

تنها برخورداری از منابع مالی و نیروی انسانی نتوانسته است جوامع را به سوی رشد و توسعه اجتماعی سوق دهد. لذا باید رکن سومی نیز برای توسعه قائل شد که آن سرمایه اجتماعی است.

-
1. Cohen
 2. Pusak
 3. Fokoyama
 4. Pantham
 5. Colman

اثر بخشی و کارآیی دو منبع مالی و نیروی انسانی عمدتاً به میزان برخورداری از سرمایه اجتماعی بستگی دارد.

سرمایه اجتماعی که از ارزشها و هنجارهای جامعه، استحکام تعهدات متقابل بین افراد و گروهها و مشارکت اجتماعی تأمین می‌شود، حافظ جامعه و گروه‌های اجتماعی در بحران‌های سیاسی اقتصادی و اجتماعی است و می‌تواند از توقف جامعه و عقب ماندگی آن جلوگیری کند.

ویژگیهای سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی با دیگر انواع سرمایه متفاوت، و دارای ویژگیهای زیر است:

۱. سرمایه اجتماعی با استفاده از آن تحلیل نمی‌رود بلکه برعکس، عدم استفاده از این سرمایه موجب تحلیل و نابودی آن می‌شود.

۲. سرمایه اجتماعی به آسانی مشاهده و مورد سنجش قرار نمی‌گیرد.

۳. سرمایه اجتماعی از طریق مداخله‌های بیرونی ساخته نمی‌شود.

۴. سرمایه‌های دولتی، ملی و منطقه‌ای، بر میزان و نوع سرمایه اجتماعی تأثیر شدیدی دارد.

در مجموع سرمایه اجتماعی همراه با دیگر گونه‌های سرمایه یک داده در فرآیند توسعه است؛ هر چند آن یک ستانده این فرایند مهم است. ویژگی مشترک سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی این است که آنها به طور همزمان کالای مصرفی و سرمایه‌ای هستند لیکن تفاوت اصلی بین این دو سرمایه در این است که سرمایه انسانی می‌تواند در یک فرد ذخیره و تجلی پیدا کند و می‌تواند مورد استفاده فرد بدون توجه به دیگران قرار گیرد در حالی که سرمایه اجتماعی مورد نیاز گروهی از مردم است و به تعاون در میان این گروه نیاز دارد.

نقش سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی، بهره‌وری سرمایه‌گذاری در سرمایه فیزیکی و انسانی را افزایش می‌دهد. اندیشمندان اغلب از چسبی که جامعه را همیشه به هم نگه می‌دارد با عنوان سرمایه اجتماعی یاد می‌کنند و خشونت و سرمایه‌داری مافیایی را غالباً بازتاب سست شدن سرمایه اجتماعی می‌دانستند (استیگلیتز^۱، ترجمه گلریز، ۱۳۸۲: ۲۰۰).

سرمایه اجتماعی مقوله‌ای است که جوامع را به یکدیگر پیوند می‌دهد و به عنوان ضرورتی اساسی برای تحقق نظم اجتماعی شناخته می‌شود. سرمایه اجتماعی گویای همانندیهای فرهنگی و احساس تعلق و هنجارهای رفتاری مشترک است (سراگلدین^۲، گردتارت^۳، ۲۰۰۰: ۴۴).

1. Stiglitz
2. Sorageldin
3. Grootaert

به نظر اقتصاددانان، مهمترین نقش سرمایه اجتماعی در توسعه نقشی است که این سرمایه در کاهش هزینه‌های معاملاتی دارد. هزینه‌های معاملاتی مربوط به هزینه‌های برقراری تعامل و رابطه بین کنشگران اجتماعی می‌شود. جایی که سرمایه اجتماعی وجود ندارد یا ضعیف است، هزینه‌های موردنظر در سطح بالایی قرار دارد و امکان تبادل و کنش اقتصادی در سطح پایینی قرار خواهد داشت. به عکس با افزایش سرمایه اجتماعی از میزان هزینه‌های مورد معامله کاسته، و کنشهای اقتصادی و اجتماعی آسان می‌شود و رونق بیشتری می‌گیرد؛ زیرا سرمایه اجتماعی منبع کنش جمعی است و کیفیت روابط اجتماعی در هر جامعه، بیانگر چگونگی سرمایه اجتماعی آن جامعه است. سرمایه اجتماعی، جامعه را سالمتر، دارا تر و با تدبیرتر و شکیباتر می‌سازد. این سرمایه موجب داشتن حکومت خوب و کارآ می‌شود.

شواهد زیادی وجود دارد که سرمایه اجتماعی می‌تواند بر نتایج توسعه چون رشد عدالت و کاهش فقر تأثیر بگذارد.

توجه به سرمایه اجتماعی، مباحث توسعه را از مدل‌های صرف اقتصادی که به رشد اقتصادی و افزایش تولید ناخالص ملی معطوف است، فراتر خواهد برد و آن را به عواملی چون نظام شبکه‌ها و ساختارهای اجتماعی و نیز ارزش و هنجارهای حاکم بر این شبکه‌ها و ساختارها نزدیک خواهد کرد و زمینه را برای نوعی بازنگری در تعریف توسعه فراهم خواهد ساخت.

با عنایت به مفهوم سرمایه اجتماعی می‌توان توسعه را غنی‌سازی کنشهای اجتماعی ناشی از افزایش تمایل به مشارکت و اعتماد اجتماعی دانست. در این صورت، گذر به سوی توسعه از مسیر ایجاد نهادها، متعادل سازی ارزشها، باورها و هنجارها و توسعه ساختارهای مولد و مشوق سرمایه اجتماعی امکانپذیر خواهد بود (معینی، تشکر، ۱۳۸۴: ۳۷).

در جایی که حکومت کارآ، نظام قضایی کارآمد و آزادی اظهار نظر وجود دارد، نهادهای محلی رشد و کارکردهای حاکمیت ملی را کامل می‌کنند. اما جایی که حکومت کارایی لازم را ندارد و فاقد نظام قضایی کارآمد و آزادی اظهار نظر است، نهادهای محلی جایگزین حاکمیت ملی، و در نتیجه نگرانیهای اجتماعی و مزایای اقتصادی کمتر وجود خواهد داشت (سراگلدین و گردتارت ۲۰۰۰: ۴۹).

تولید و توزیع سرمایه اجتماعی کاملاً به الگوهای توسعه سیاسی- اقتصادی و اجتماعی وابسته است. تمامی کشورهای غنی در سرمایه اجتماعی دارای دموکراسی اصیل و هموارترین اقتصاد هستند.

چگونگی تولید سرمایه اجتماعی

سه عامل سبب ایجاد و گسترش سرمایه اجتماعی می‌شود:

۱. کمک: درخواست کمک افراد از یکدیگر باعث افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود و عواملی مانند رفاه، و کمک دولت که موجب بی‌نیازی افراد از یکدیگر می‌شود، کاهش سرمایه اجتماعی را به دنبال دارد.

۲. ایدئولوژی: وجود اعتقاداتی مانند لزوم کمک به دیگران و یا عمل به سود دیگری، موجب تقویت سرمایه اجتماعی می‌شود.

۳. هنجارها: اگر در درون جامعه و گروه اجتماعی، هنجارهایی چون این هنجار که «فرد باید منافع شخصی را رها سازد و به سود جمع عمل کند»، وجود داشته باشد، سرمایه اجتماعی شکل خواهد گرفت.

تعهدات و انتظارات

کلمن سرمایه اجتماعی را متأثر از تعهدات و انتظارات، ظرفیت بالقوه اطلاعات، هنجارها و ایدئولوژی می‌داند.

اگر «الف» برای «ب» کاری انجام می‌دهد با اعتماد به اینکه «ب» در آینده آن را جبران خواهد کرد، این امر انتظاری در «الف» و تعهدی را از جانب «ب» برای حفظ اعتماد ایجاد می‌کند. این تعهد را می‌توان مانند برگه‌ای اعتباری تصور کرد که در دست «الف» است و باید با عملکرد از سوی «ب» بازخرید شود.

اگر «الف» تعداد زیادی از این برگه‌های اعتباری را از تعداد زیادی افراد که با آنها رابطه دارد در دست داشته باشد، این مجموعه برگه‌های اعتباری سرمایه بزرگی را تشکیل می‌دهد که «الف» در صورت لزوم می‌تواند از آنها استفاده کند.

دو عامل برای این شکل از سرمایه اجتماعی حیاتی است: اول میزان درخور اعتماد بودن سرمایه اجتماعی است و دوم میزان واقعی تعهداتی است که بر عهده گرفته می‌شود. (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۷)

عوامل مؤثر در تولید سرمایه اجتماعی

ایدئولوژی عامل مؤثری در ایجاد یا نابودی سرمایه اجتماعی است. ایدئولوژی می‌تواند با تحمیل این خواست به فرد که به سود کسی یا چیزی غیر از خودش عمل کند، سرمایه اجتماعی به وجود می‌آورد. این امر در تأثیراتی که ایدئولوژی مذهبی در وارد کردن افراد به توجه به منافع دیگران دارد، آشکار است.

ایدئولوژی خودبستگی مانند آنچه طرفداران اپیکور^۱ در یونان باستان به آن اعتقاد داشتند و یا یک ایدئولوژی که بر روابط جداگانه و مستقل هر فرد با خداوند تأکید می‌کند، که عمدتاً اساس

1. Epicor

آیین پروتستان را تشکیل می‌دهد، می‌تواند از ایجاد سرمایه اجتماعی جلوگیری کند (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۹۱).

فوکویاما در مقیاس کلان برخی از کشورها را که از نظر فرهنگی یکسان هستند براساس سرمایه اجتماعی مقایسه می‌کند. هدف او این است که به این سؤال پاسخ دهد چرا برخی کشورها موفقیت اقتصادی بیشتری نسبت به سایر کشورها دارند. وی معتقد است کشورهایی که سطوح بالای توان اجتماعی، صداقت و اعتماد افراد را نسبت به اجرای کارهای تعاونی زیرسازی می‌کنند، رشد و ترقی و توسعه بیشتری دارند. به همین دلیل در جامعه ژاپن سطوح بالای سرمایه اجتماعی سبب گسترش و توسعه این کشور شده است.

جوامع پیشرفته به جای اینکه در صدد باشند اخلاق اعضایشان را بهبود بخشند در جستجوی تأسیس نهادهایی چون حکومت متکی به قانون اساسی و مبادله مبتنی بر بازار آزاد هستند تا رفتار اعضای خود را نظام‌مند کند.

او معتقد است جامعه پیشرفته بدون پشتوانه دین، فرهنگ و نسبت تاریخی از پایه فرو خواهد ریخت. او در خصوص موفقیت جوامع پیشرفته معتقد است که آنها تنها به این علت توفیق یافته‌اند که قادر به نگه داشتن سرمایه اجتماعی انباشته شده قرون متمادی شده بودند؛ یعنی قید و بندهای اجتماعی که در گذشته توسط دین و دیگر نهادهای فرهنگی هنجارآفرین استوار شده بود، تنها به کمک نوعی عادت انعکاسی در عصر و دنیا گرایانه بعدی، جان سالم به در برده بود اما این جوامع سرانجام قادر به تولید سرمایه اجتماعی جدید نشدند (فوکویاما، ترجمه خاکباز، پویان، ۱۳۸۴: ۱۷۴).

کمک و توجه به دیگران نیز شکل‌گیری کنش متقابل را فراهم می‌سازد. مسیر رسیدن به کنش متقابل غیر مستقیم است؛ یعنی کنش متقابل فرایندی است که در پی ایجاد سرمایه اجتماعی از طریق کمک به دیگران پدید می‌آید. کنش متقابل نتیجه کمک به دیگران است. کمکی که سرمایه اجتماعی را غنی می‌سازد و شبکه وسیعی از کنش متقابل را خلق می‌کند (بیکر^۱، ۱۳۸۲: ۱۷۸).

این کمک و توجه باید از نوع رابطه گرم و نه از نوع رابطه سرد، آنی و معطوف به منابع مادی صرف باشد. مک به دیگران در چارچوب معامله خشک و بی اساس اقتصادی و محاسبه نرخ سود بازگشت آن به جز پرداخت محاسبه شده سود، چیز دیگری را برای شما در بر نخواهد داشت. اما کمک به دیگران فقط به این دلیل که این کار درست است، بدون چشمداشتی نسبت به جبران آن، باعث تقویت سرمایه اجتماعی شما خواهد شد و به‌طور معکوس، موجب تحریک کنش متقابل می‌گردد؛ بسیار فراتر از آنچه در مقابله به مثل حاصل می‌شود (بیکر، ۱۳۸۲: ۱۸۰).

بنابراین سرمایه اجتماعی جوهره‌ای از علاقه خالصانه به دیگران و روابط صادقانه در خود است. (بیکر، ۱۳۸۲: ۲۲۰)

رابطه سرمایه اجتماعی بین گروهی و حاکمیت خوب

رفاه و توسعه اجتماعی در گروه وجود دولتهای کارآمد و سرمایه اجتماعی بین گروهی زیاد است. در صورتی که سرمایه اجتماعی بین گروهی زیاد باشد ولی دولتها کارآمد نباشند، مدارای اجتماعی وجود خواهد داشت. دولتهای ناکارآمد و سرمایه اجتماعی بین گروهی کم، موجب ناآرامی اجتماعی می‌شود در حالی که وجود دولتهای کارآمد و سرمایه اجتماعی بین گروهی کم، ستیز اجتماعی را شکل می‌دهد.

سطوح سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی در سه سطح کلان، میانه و خرد و در چهار حوزه اقتصادی (معیشتی)، سیاسی (تمشیتی)، اجتماعی (معاشرتی) و فرهنگی (تربیتی) مورد توجه قرار داده می‌شود. سرمایه اجتماعی در سطح کلان حاصل اعتماد شهروندان به عملکرد و اهمیت نهادها در حوزه‌های چهارگانه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه کل است. سرمایه اجتماعی در سطح میانی حاصل ترکیبی از اعتماد آحاد مردم به چگونگی سازماندهی وظیفه شناسی و تعهد، شایستگی و کاردانی نیروهای سازمانی و کیفیت خدمات ارائه شده مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. سرمایه اجتماعی در سطح خرد با کم و کیف روابط بین کنشگران اجتماعی تعریف می‌شود. (چلبی، ۱۳۷۶: ۶۴-۶۲)

عوامل تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی در بردارنده دو عامل است؛ دو عاملی که بیانگر تقسیم سنتی ساختار و محتوا در نظریه اجتماعی و ابعاد کمی و کیفی سرمایه اجتماعی هستند. محتوا، گویای پیوندهای ذهنی بین افراد است و شامل نوع خاصی از ارتباط متقابل، اعتماد و داشتن عاطفه نسبت به هم می‌شود.

پیوستگیها، شامل رابطه با همسایه، رابطه با دوستان و رابطه با گروه است و حاصل آن، میزان رضایت از محل زندگی و رضایت از رابطه با دوستان است. اعتماد شامل اعتماد به دیگر افراد و عموم مردم و اعتماد به نهادهاست.

اعتماد اجتماعی

در زبان فارسی، تعبیراتی چون اطمینان کردن، اتکا کردن، پذیرش اعتماد، ایمان و اعتقاد، وثوق، درستی و وفاداری و داشتن انتظارات مطمئن را مترادف با مفهوم اعتماد دانسته‌اند. در زبان لاتین، اعتماد و وثوق معادل کلمه ایمان^۱ یونانی مورد استفاده قرار گرفته که در ریشه آن، مفهوم وثوق و اعتماد، تسلیم در برابر اراده دیگری و اطمینان به شخص دیگر مستتر است.

در فرهنگ لغت انگلیسی اکسفورد، اعتماد را اطمینان به بعضی از صفات یا ویژگیهای یک شخص و یا حتی درستی و حقایق یک نظریه، تعبیر و تعریف کرده‌اند.

اگر چه بین اعتماد و اطمینان، همانندی و نزدیکیهای فراوانی وجود دارد، می‌توان گفت اعتماد شامل تعیین کننده‌های فردی است که از میان انتخابها و بدیل‌های متعدد، فرد یکی از آنها را بر می‌گزیند در حالی که اطمینان، انتظار عادی رایج است؛ زیرا اعتماد، متضمن کار دشوار ارزیابی از تواناییهای دیگران در اجرای کنشهای مورد نظر است. بنابراین وقتی انسان می‌تواند و آزاد است که از میان بدیل‌های متعدد، یکی را برمی‌گزیند و این انتخاب و گزینش، پیچیدگیهای فراوانی نیز همراه دارد، باعث نیاز شدیدی به اعتماد می‌شود که آن را به صورت پدیده اجتماعی مؤثری درمی‌آورد (غفاری، ۱۳۸۴: ۱۲۳).

وقتی ما نسبت به آینده اطمینان قطعی داریم به اعتماد نیاز نداریم. اعتماد با عدم قطعیت و عدم کنترل آینده پیوند پیدا می‌کند. به همین دلیل آن را منبعی بنیادی برای عمل کردن دانسته‌اند. اعتماد، انتظارات مناسب در مورد کنشهای دیگران است.

انتظار از حکومت با انتظار از یک شرکت تجاری متفاوت است و حتی در درون دستگاه حکومت نوع انتظار از قوا و بخشهای مختلف صورت یکسانی ندارد. اعتماد عمومی مبتنی برانتظار عموم از دریافت پاسخ است به خواسته‌هایشان از سوی متولیان امور عمومی؛ لذا اعتماد به عنوان مبنایی برای نظم اجتماعی در سطوح مختلف است (الوانی، دانایی فرد، ۱۳۸۰: ۸).

طبیعی است در حالت بی اعتمادی نمی‌توان انتظار داشت افراد همان کنش و رفتاری را داشته باشند که از آنها انتظار می‌رود. در واقع، انتظار در اعتماد ریشه دارد. اجتماعی که اعضایش نمی‌تواند پیامهای صادقانه را از پیامهای فریبنده از یکدیگر تشخیص دهند، فرو خواهد ریخت.

عوامل اعتماد اجتماعی

"انتظارات و عقاید" به عنوان دو عامل و دو اصل بنیادین برای ایجاد اعتماد و یا برعکس از بین رفتن اعتماد، نقش بسیار اساسی دارد. این دو اصل، هم در روابط بین شخصی و هم در روابط فرد با یک گروه و یا یک سازمان و حتی دولت عینیت دارد.

افراد از یکدیگر انتظاراتی دارند و دائماً عمل دیگری را مورد ارزیابی قرار می‌دهند که آیا انتظارات مورد نظر وی را با عمل خود تحقق بخشیده است یا خیر. ارزیابی مثبت از تحقق انتظارات، باعث خشنودی فرد و تحکیم و تقویت اعتماد متقابل می‌گردد. هر گونه سوء تفاهم و یا عملی که نتواند انتظار طرف مقابل را تأمین کند و یا به گونه‌ای تفسیر شود که نتوانسته است انتظار فرد را تحقق بخشد، باعث فروکش کردن روابط گروه و از بین رفتن اعتماد متقابل می‌گردد. اعتقاد و انتظار سازنده اعتمادند. افراد انتظار دارند که عقاید آنان توسط دیگری محترم شمرده شود و در عمل وی حضور داشته باشد. هر گونه عملی که نتواند دیگری را متقاعد کند که توسط اصول این عقاید قابل توجیه است، باعث از بین رفتن اعتماد متقابل می‌گردد. بنابراین هم عقاید و هم انتظارات نقش اساسی در بروز اعتماد و یا از بین رفتن آن دارد. مثلاً اگر مردم اعتماد داشته باشند که دولت باید متناسب با اصول دینی جامعه را اداره کند، پیوسته این انتظار به‌عنوان بنیان روابط تعاملی دولت و مردم قرار می‌گیرد. اگر فرد یا اعضای جامعه به هر دلیل (که این دلیل می‌تواند ناشی از برداشت متفاوت از عقاید و یا سوء برداشت و یا اثر القاء گروهی که در صدد اخلال رابطه‌های بین این دو است، باشد) احساس کنند که دولت به انتظارات آنها بی‌توجه بوده است، روابط تعاملی دولت و مردم مختل می‌شود؛ اما چنانچه این وضعیت عینیت نیافت، یعنی تطبیق بین انتظارات طرف مبادله با عمل طرف دیگر مبادله محقق نشد، کاهش میزان اعتماد را در پی خواهد داشت.

- حفظ و توسعه اعتماد برای توفیق در ارائه خدمات قانونی و فرهنگی و اجتماعی توسط نهادهای جامعه ضرورت دارد. در این ارتباط موارد زیر اهمیت می‌یابد:
۱. اگر مجازات مناسبی برای هنجار شکنان وجود نداشته باشد، افراد انگیزه‌ای برای اجرای تعهدات خود نخواهند داشت.
 ۲. تهدید به مجازات برای رفتار انحرافی باید در خور اعتماد و قابل قبول باشد؛ به‌عبارت دیگر تهدید نباید صرف تهدید باشد.
 ۳. اگر مردم به طور عمومی به یکدیگر اعتماد دارند، باید در اجرای امور به‌عنوان کارگزارانی که مسئول پاسخگویی به دیگران هستند هم به یکدیگر اعتماد داشته باشند.
 ۴. اعتماد و اطمینان در میان اشخاص و کارگزاران در هم تنیده باشد.

نتیجه گیری

سرمایه اجتماعی، دارایی اصیل جوامع انسانی است. وجود این سرمایه، سرمایه‌های طبیعی و فیزیکی و انسانی هر جامعه را با روح و پر نشاط ساخته، و برای انسان رضایت بخش می‌سازد.

سرمایه اجتماعی در سه سطح کلان، میانی و خرد، در حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و اجتماعی باید به صورت متعادل و مناسب وجود داشته باشد تا رشد و توسعه‌ای پایدار و همه جانبه زمینه بروز و ظهور یابد.

اصلی‌ترین تنگنای جوامع پیشرفته عدم قابلیت آنها برای تولید سرمایه اجتماعی است و در صورت وجود آن، بحران فقر سرمایه اجتماعی منجر به استهلاک سایر سرمایه‌ها و عقب ماندگی آنها خواهد شد.

موفقیت نهادها و سازمانهای تأمین کننده خدمات عمومی از جمله پلیس در داشتن سرمایه اجتماعی بالا است تا قابلیت تأمین انتظارات و جلب اعتماد اجتماعی را داشته باشند.

نیروی انتظامی به عنوان سازمان محوری تأمین کننده امنیت اجتماعی، برای حفظ و توسعه سرمایه و اعتماد اجتماعی خود باید به اعتقاد و انتظار جامعه که سازنده اعتمادند به طور کامل توجه نماید. پذیرش نظارت همگانی برای چنین سازمانی می‌تواند گامی مؤثر در یافتن اعتقاد و انتظار جامعه و پاسخگویی مناسب به آن باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ فارسی

۱. استیگلیتز، جوزف، (۱۳۸۲)، جهانی سازی و مسائل آن، ترجمه حسن گلریز، تهران، نشرنی.
۲. الوانی، مهدی. دانایی فرد، حسن، (۱۳۸۰)، مدیریت دولتی و اعتماد عمومی، فصلنامه دانش و مدیریت، شماره ۵۵، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
۳. بیکر، جی.اس، (۱۳۸۲)، سرمایه اجتماعی و مدیریت، ترجمه مهدی الوانی، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی.
۴. بوردیو، بیر، (۱۳۸۴)، شکل‌های سرمایه، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسین پویان، تهران، شیرازه.
۵. پاتنام، روبرت، (۱۳۸۴)، جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی در کتاب سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، شیرازه.
۶. چلبی، مسعود، (۱۳۸۱)، بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۷. تشکر و معینی، (۱۳۸۱)، نگاهی به سرمایه اجتماعی و توسعه، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۴، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی.
۸. غفاری، غلامرضا، (۱۳۸۴)، سنجش سرمایه اجتماعی در ایران (منتشر نشده)، دفتر مطالعات اجتماعی وزارت کشور.
۹. فوکویاما، فرانسیس، (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی در کتاب سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، شیرازه.
۱۰. کلمن، جیمز، (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشرنی، چاپ اول.

منابع و مأخذ انگلیسی

- 1.Cohen, D.L. Pusak(2001) In Good Company How Social Capital Makes Organizations Work. Harvard Business Press.
2. Sorageldin and Grootaert (2000) Defining Social Capital: an integrating view in Social Capital, A multifaceted perspective the World Bank Washington.

